

# گروه اسلامی داعش؛ بازیگری با مبانی فکری پیشامدرن و ابزارهای عمل فرامدرن

مسعود مطلبی\*

لیلی حیدری\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۱۸

## چکیده

گروه اسلامی داعش یکی از مهم‌ترین جریان‌های سلفی محسوب می‌شود که در مدت کوتاهی توانسته است بر بخش‌هایی از عراق و سوریه تسلط یابد و در کانون تحولات منطقه ای و بین‌المللی قرار گیرد. داعش را می‌توان بازیگری افراطی دانست که در جستجوی رستگاری، رهایی بخشی و بازگشت به آرمان‌های اولیه اسلامی است. این گروه خود را پدیده‌ای هویتی می‌داند که وظیفه احیای خلافت و امارت اسلامی و بازسازی شوکت اهل سنت را دارد. داعش همچنین نمونه‌ای از گروه‌های تروریستی نوین می‌باشد که دارای طبیعتی فراملی و جهانی است، که بر ترور و خشونت تأکید فراوان دارد، از ابعاد مدرن، دولت محور، مادی، منافع جویانه و محدود به مرزها گذر کرده و با تمرکز بر هویت، داعیه‌ای جهانی دارد و از ابزارها و پتانسیل‌های عصر جهانی شدن و پسامدرنیسم نیز سود می‌جوید. از این رو مسئله اصلی مقاله پیش رو در این پرسش تجلی یافته است که گروه تروریستی داعش از حیث فکری چگونه بازیگری است و چگونه به بهره‌برداری از فضای سایبری در راستای پیشبرد اهداف خود مبادرت کرده است؟ فرضیه طرح شده آن است که داعش در حالی که از حیث فکری و در اعتقادات پیشامدرن است، نمونه بارز تروریسم پسامدرن در فضای مجازی محسوب می‌شود که از امکانات فضای جهانی شدن در راستای معرفی نمودن خود و ایجاد شبکه‌ای تروریستی در جهت تشکیل آنچه که «خلافت اسلامی» می‌نامند، استفاده می‌کند. از این منظر مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی در تلاش است تا دو نکته را بطور مشخص به بحث و بررسی تحلیلی بگذارد؛ اول اینکه نشان دهد که داعش بازیگری با اعتقادات پیشامدرن است و در صدد احیای خلافت اسلامی می‌باشد. ثانیاً این موضوع را به بحث بگذارد که چگونه این بازیگر پیشامدرن، از ابزارهای عملی عصر جهانی شدن و پسامدرن برای دستیابی به اهداف خود سود می‌جوید.

**کلیدواژه‌گان:** پست مدرنیسم، تروریسم، تکنولوژی، جهانی شدن، خاورمیانه، خلافت اسلامی، گروه اسلامی داعش.

\* نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزاد شهر، ایران

رایانامه: Mmtph2006@yahoo.com

\*\* دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

منطقه خاورمیانه به دلایل مختلف از جمله موقعیت جغرافیایی؛ استراتژیکی و ژئوپولتیکی در منطقه حساس یعنی محل تلاقی محورهای بزرگ ارتباطی چهار قاره جهان و وجود ذخایر عظیم انرژی باعث گردیده در طول تاریخ مورد توجه و نفوذ و تهاجم قدرت های بزرگ قرار داشته باشد. منطقه ای که امروزه خاورمیانه خوانده می شود از نظر تاریخی در تحولات درون و برون منطقه ای، نقش حساسی داشته است. ظهور ادیان بزرگ الهی در این منطقه اتفاق افتاده است. از نظر فرهنگی و نژادی، این منطقه گروه های فرهنگی و نژادی گوناگونی از قبیل فرهنگ های ایرانی، عربی، بربرها، ترکی، کردی و آسوری را در خود جای داده است. از طرف دیگر، حدود ۹۳ درصد مردم خاورمیانه و شمال آفریقا مسلمان هستند و هر چند اسلام، خاورمیانه و شمال آفریقا را با یکدیگر متحد می کند، ولی آنها بین دو شاخه شیعه و سنی، از یکدیگر جدا می شوند. وجود این ویژگی ها سبب شده است تا در طول تاریخ، منطقه خاورمیانه همواره کانون اصلی تحولات و درگیری ها باشد. اما امروزه مهم ترین عامل در تحولات منطقه خاورمیانه شکل گیری گروه «اسلامی داعش» می باشد. از دولت اسلامی عراق و شام (داعش) به عنوان خشونت طلب ترین جریان در تاریخ حرکت های اسلامی یاد می شود که بر اساس یک فکر سلفی جهادی- تکفیری بنا شده است. این جریان، جریانی با تعصبات دینی در میان اهل سنت شناخته شده که برای تحقق اهدافش از ابزارهای خشونت و ترور سود می جوید. در واقع داعش بعنوان یک «گفتمان<sup>۱</sup>» عمل می کند و در درون خود دارای عقلانیت و اصول رفتاری است. هر چند این گفتمان با دال خشونت مفصل بندی شده است اما به عنوان یک زمینه و تفکر دارای حامی و نفوذ اجتماعی است. داعش علاوه بر گفتمان و اصول رفتاری به دنبال احیای خلافت اسلامی و قلمرو اسلامی است. به گونه ای که «ابوبکر البغدادی» بعنوان رهبر این گروه به صورت رسمی جدایی خود را از گروه القاعده اعلام کرده و خود را خلیفه مسلمین نامید. امروزه داعش علاوه بر عراق و سوریه در دیگر کشورها نیز نفوذ قابل توجهی یافته و در این کشورها در حال گسترش و انجام عملیات های نظامی



و تروریستی است (روشن چشم، ۱۳۹۳). به لحاظ اعتقادی این گروه معتقد به سلفیسم است. این دیدگاه جز اعتقادات سنی مذهب به شمار می رود؛ اما در قالب هیچ یک از چهار فرقه سنی قرار نمی گیرد. با توجه به گفتمان داعش و ایجاد «فقه التکفیر» خشونت هسته اصلی این حرکت را تشکیل می دهد به گونه ای که هر چیزی خارج از اعتقادات سلفی را کفر بر شمرده و با آن به مبارزه بر می خیزند و بر این مبنا در صورت کشتن و از بین بردن یک نفر کافر به سعادت می رسند و کشتار کافران را مجاهدت فی سبیل الله می دانند (فیرحی، ۱۳۹۳). به هر حال، طی سالهای اخیر، میلیونها نفر از جهانیان، فیلم و تصاویری از خشونت های عریان نیروهای داعش علیه اسیران خود را دیده اند. در یکی از مؤثرترین صحنه ها، مرد قوی هیکلی که لهجه بریتانیایی دارد خنجر خود را بر حلقوم جوان آمریکایی گذاشته است. به فاصله چهار دقیقه نعل این خبرنگار آمریکایی دیده می شود در حالی که سر خونینش بر روی سینه نهاده شده است. در صحنه ای دیگر، نیروهای داعش با انگیزه ای فوق العاده، حتی بر جنازه ها نیز شلیک نموده با خشمی فعال، هواداران قربانیان خود را تهدید می کنند. در غالب تحلیل ها گفته می شود که این سنگدلی محصول روحیه مصمم مذهبی است که از سوی یک تیم حرفه ای و با بهره گیری از ابزارها و تکنیک های بسیار پیشرفته رسانه ای به دنیا مخابره می شود تا جهانیان نسبت به صلابت و جدیت داعشی ها ایمان بیاورند و هیچ کس و سوسه نشود تا با این گروه مقابله کند. برخی محققان و تحلیلگران خشونت داعش را در پرتو خرد ابزاری تحلیل می کنند. از این منظر؛ این قبیل خشونت ها، اصلاً در تاریخ بی سابقه نیست، آنچه داعش را جهانی کرده محصول شیوه نمایش و نهاد سازی از رهگذر رسانه های جدید است. نمونه های پرشماری از این قبیل جنایات، در گذشته های دور و نزدیک صورت گرفته اما در غیاب رسانه های فراگیر به خاک سپرده شده اند. سخن این است که تکنیک رسانه از سیطره بانیان آن خارج شده و تکنولوژی، گروه تبهکاری مانند داعش را به قلب خانه جهانیان برده و رسانه ای که ابتدا حکم ابزار اطلاع رسانی را داشت اکنون افسارش را از دست سازندگانش گسیخته است و در اختیار کاربرانی کاملاً متفاوت است. گروه داعش به رغم رژه به گذشته، حرکتی کاملاً نوین بوده و با فراخوانی سنن و آموزه های تاریخی، صرفاً یک استراتژی برای تضمین بقا است (رجوع شود به: نصری، ۱۳۹۳). به هر حال، پرسش این است که به راستی داعش کیست و اهداف و مبانی فکری آن کدام است

گروه اسلامی داعش؛  
بازگیری با مبانی فکری  
پیشامدرن و ابزارهای ...  
(۶۹ تا ۹۳)

که چنین جهانیان را خیره خود ساخته است؟. مدعای نویسندگان در این مقاله آن است که در حالی که داعش از حیث فکری و در بحث اعتقادات پیشامدرن است، نمونه بارز تروریسم پسامدرن در فضای مجازی محسوب می شود که از امکانات فضای جهانی شدن در راستای معرفی نمودن خود و ایجاد شبکه ای تروریستی در جهت تشکیل آنچه که خلافت اسلامی می نامند، استفاده می کند. چنین فرضی نیازمند تحلیل بیشتری است، که برای واکاوی دقیق تر این مدعا و جهت فهم اهداف این گروه لاجرم باید به بررسی تحلیلی تر گروه تروریستی داعش پرداخت. از این رو در ادامه جهت تبیین دقیق تر مطالب مطرح شده سعی خواهد شد تا در طی سه بخش مطالب مورد نظر نگارش یابد؛ بدین صورت که در ابتدا به چارچوب نظری بحث و مفهوم « تروریسم پسامدرن » خواهیم پرداخت؛ سپس به معرفی گروه اسلامی داعش خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد که چگونه این بازیگر از اعتقادات پیشامدرن برخوردار است و در تقابل گفتمانی و غیریت سازی با دنیای مدرن خود را برجسته می سازد؛ در بخش سوم نیز این موضوع را بررسی خواهیم کرد که چگونه این بازیگر گذشته گرا و پیشامدرن، از ابزارهای عملی و تکنولوژیک عصر پسامدرن و جهانی شدن برای دستیابی به اهداف آرمان گرایانه خود سود می جوید. مطالب ارایه شده با نتیجه گیری به پایان خواهد رسید.

### تمهیدات نظری؛ تروریسم پسامدرن

طی دهه های اخیر مفاهیم تروریسم و جهانی شدن هر دو به مقولاتی روزمره در ادبیات سیاسی رایج تبدیل شده اند. در خصوص چیستی جهانی شدن دیدگاه ها و نظرات مختلفی مطرح شده است. از نگاه « مارتین آلبرو » جهانی شدن حکایت از اموری دارد که تا پیش از این بومی، محلی و یا حتی ملی بوده اند، اما به مرور جنبه های جهانی پیدا کرده اند. واژه جهانی شدن همانند واژه های « مدرن شدن »، « ملی شدن »، « شهری شدن » و . . . با پسوند « شدن » بیانگر اموری است که قبلاً جهانی، مدرن، شهری، ملی و . . . نبوده اند و اکنون به صورت جهانی، شهری، مدرن و ملی و . . . در آمده اند (Albrow, 1997: 1-7). بطور کلی می توان قائل به چهار



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

رویکرد در خصوص جهانی شدن بود که عبارتند از رویکردهای رئالیستی، لیبرالیستی، مارکسیستی - انتقادی و جامعه شناختی. در حالی که رویکرد رئالیستی هم چنان قائل به بازیگری و کنشگری مسلط دولت ملی در عرصه جهانی است، و از پدیده جهانی شدن و فروپاشی مرزها استقبال نمی کند، رویکرد لیبرالیستی با دیدگاهی خوش بینانه به جهانی شدن می نگرد که زمینه های شکل گیری تفکر جهانشمولی لیبرال را فراهم می سازد. اما رویکرد مارکسیستی - انتقادی، حسب معیارهای خود، جهانی شدن را استمرار سرمایه داری قرن نوزدهم تلقی می کنند. سرانجام اینکه نگاه جامعه شناسان به این پدیده کاملاً متفاوت است، چرا که آنها ضمن آنکه جهانی شدن را وضعیتی جدید در مناسبات اجتماعی انسان تلقی می کنند، از دو بعد متفاوت به آن می نگرند. متفکرانی مانند «آنتونی گیدنز»، جهانی شدن را ورود مدرنیته به دورانی جدید می دانند که زمینه های جهانی شدن ابعاد نهادی مدرنیته را فراهم ساخته است، در حالیکه جامعه شناسان پست مدرن آن را نقطه مقابل مدرنیته و معادل یک تحول بنیادین در حیات اجتماعی و فردی انسان ارزیابی می کنند. آنها جهانی شدن را زمینه ساز ظهور عصر پست مدرن تلقی می کنند (سلیمی، ۱۳۸۴). به هر صورت، در حالی که جهانی شدن به عنوان فرآیندی غیر قابل اجتناب خود را در تمامی زوایای زندگی بشر امروزی رسوخ داده و روز به روز بر وسعت این تأثیرات افزوده می گردد، تروریسم نیز به عنوان یک پدیده سیاسی کهن با شمایی نو قدم به عرصه نهاده و با پردازش یافتن در قالب هایی جدید مشغول به فعالیت می باشد. اهمیت تروریسم تا آنجاست که بسیاری معتقدند امروزه تروریسم محرک بسیاری از تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... بوده و می توان آن را جایگزین پدیده های سیاسی شناخته شده ای نظیر انقلابات، جنگ ها، کودتاها، شورش ها، و... دانست که زندگی سیاسی را در سطوح مختلف ملی، بین المللی و فرو ملی به چالش کشیده است (فیرحی و ظهیری، ۱۳۸۷: ۱۴۵).

با این اوصاف، توسعه فرآیند جهانی شدن در زمینه های مختلف از دهه ۱۹۸۰ به این سو و شکل گیری موج جدید تروریسم در قالبی بین المللی که به ویژه بر پایه اندیشه های بنیادگرایانه از اسلام شناخته می شود، طرح سوالاتی در خصوص نسبت رابطه میان تروریسم و بالادست فعالیت های تروریستی گروه های رادیکال اسلامی همچون القاعده، طالبان و داعش با مقوله جهانی شدن را به ذهن متبادر می سازد که آیا فرآیند جهانی شدن در تشدید و توسعه فعالیت های تروریستی نقش داشته

گروه اسلامی داعش؛  
بازیگری با مبانی فکری  
پیشامدرن و ابزارهای ...  
(۶۹ تا ۹۳)

است؟. با مروری بر آثار موجود می توان دریافت که عمده تلاشهای نظری صورت گرفته در خصوص ایده اصلی این مقاله (یعنی رابطه میان تروریسم و جهانی شدن و پسامدرنیسم)، عمدتاً تروریسم را واکنشی بر علیه وجه منفی جهانی شدن قلمداد کرده‌اند. برای نمونه «بنجامین باربر» وضعیت موجود جهانی را تقابل جهان مک دونالد و جهان جهاد می‌داند که به موجب آن جهان جهاد، جهان مک دونالد را خطری برای هویت خود می‌بیند. «توماس فریدمن» نیز سخن از «لکوس» و «درخت زیتون» می‌راند، وی لکوس را نماد مدرنیزاسیون، فراوانی و مصرف به سبک غربی و در مقابل درخت زیتون را نماد ریشه‌ها، سنت‌ها و جامعه ساکن و ثابت قرار می‌دهد (Friedman 1999: 7-10). بی تردید رویکرد دو قطبی فوق، ریشه در ایده‌ای دارد که سال‌ها پیش و درست در آغاز دنیای پس از جنگ سرد توسط «ساموئل هانتینگتون» در مقاله‌ای و سپس در کتاب «برخورد تمدن‌ها» بنا نهاده شد (هانتینگتون، ۱۳۷۸). اساس نظریه‌های فوق آن است که جهانی شدن در کنار اثرات سازنده، واجد عملکرد مخرب نیز هست. به عبارتی جهانی شدن در کنار مزایای فراوانی که دارد، به بسط بی‌عدالتی، حاشیه‌ای شدن گروه‌های هویتی، فقر و... نیز دامن زده است. از این رو جهانی شدن، دمکراسی، تجارت آزاد و مبادله فرهنگی را با خشونت، تخریب، فقر، بی‌عدالتی، حاشیه‌ای شدن و... در هم آمیخته است و طبیعی است که تروریسم بین‌المللی می‌تواند واکنشی به این ماهیت متناقض و دو سویه باشد. با این حال همان گونه که پیداست هدف این مقاله بسط نظریات فوق نیست. زیرا استدلال این مقاله بر خلاف نظریات فوق آن است که عصر جهانی - شدن با ابعاد تکنولوژیک خود به گسترش اهداف گروه‌های تروریستی افراطی مانند داعش یاری می‌رساند. به تعبیر دیگر گروه‌های افراطی توانسته‌اند از امکانات عصر جهانی شدن و پسامدرنیسم در راستای پیشبرد اهداف خود سود جویند. در این راستا «ایزابل دایوستین» استاد تاریخ روابط بین‌الملل در هلند، در مقاله‌ای با عنوان «چه چیزی در تروریسم نوین جدید است؟» سعی کرده است ابعاد نوین تروریسم را توضیح دهد. به نظر وی تروریسم جدید اولاً به لحاظ مرتکبان و سازماندهی، طبیعتی فراملی دارد؛ ثانیاً مبتنی بر نوعی الهام و افراط‌گرایی مذهبی است؛ ثالثاً تروریست‌های نوین به سلاح‌های کشتار جمعی دسترسی دارند و هدفشان حمله به بیشترین تعداد از مردم است؛ رابعاً آنها قربانیان خود را به صورت گلچین انتخاب نمی‌کنند، بلکه آنها را به صورت فله‌ای بر می‌گزینند



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

(Duyvesteyn, 2007: 439-440). همچنین «والتر لاکوئر» در مقاله مشهور خود با عنوان « تروریسم پست مدرن»، تروریسم جدید را پست مدرن می نامد، چرا که به نظر او تروریسم نوین در چارچوب اهداف و قالب های مدرن همچون قدرت طلبی، منفعت جویی، ملی گرایی نمی گنجد و اهداف یا قالب های پست مدرن همچون مذهب، هویت و جهانی شدن برای توضیح آن لازم است (Laqueur, 1996: 24-36). در همین چهارچوب، «کرونین» چهار موج تروریسم را با توجه به منابع محرک آنها بر می شمارد که عبارتند از: تروریسم چپ، تروریسم راست، تروریسم ملی گرای قومی و تروریسم مقدس یا مذهبی ( Cronin, 2008: 142). بدیهی است آنچه در این مقاله بیشتر مورد توجه قرار دارد، موج چهارم تروریسم یا همان تروریسم مذهبی و مقدس می باشد. تروریسم در دنیای پس از جنگ سرد خصیلتی کاملاً مذهبی به خود گرفته است. اهمیت تروریسم مذهبی تا آن حد است که تقریباً هر هفته یا حداقل هر ماه خبرهایی از رویدادهای تروریستی در اقصی نقاط جهان توسط سازمان های مذهبی بنیادگرا (القاعده و طالبان) به گوش می رسد. این حملات به دلایل مختلف عمق و گستردگی بیشتری نسبت به امواج پیشین تروریسم داشته است و معمولاً هم حوزه اقتدار و نفوذ ایالات متحده آمریکا را هدف قرار داده اند. با توجه به مسئله فوق می توان تروریسم مذهبی را نوعی خروج از سیستم دولت های مدرن قلمداد کرد و خشونت ناشی از تروریسم مقدس را یک خشونت خصوصی تلقی نمود. ایده های ناظر بر تروریسم مذهبی، به جای مفاهیم برآمده از سیستم وستفالیایی، بر اصول و قواعد متضاد با آن از جمله امت واحد جهانی، از بین بردن نظام های مستقر و... استوار است. به گونه ای که «ایمن الظواهری» از رهبران القاعده، ۱۱ سپتامبر را نقطه آغاز جهاد علیه کفر جهانی دانسته و معتقد است جهاد، جنگی انقلابی و جهانی است علیه اسرائیل، ایالات متحده آمریکا و بطور کلی غرب (عباس زاده فتح آبادی، ۱۳۸۸: ۱۲۳). در طی سالهای اخیر نیز تروریسم گروه اسلامی داعش در زمره مهمترین رویدادهای تروریستی در دنیا شناخته شده است که بازتاب های گسترده ای در سطح جهانی در پی داشته است. در حال حاضر، گروه اسلامی موسوم به داعش یکی از این بازیگران غیر دولتی و افراطی است که در هم پوشانی با جهانی شدن نقش پر رنگی ایفا نموده است و توانسته است از امکانات و ابعاد تکنیکی عصر جهانی شدن و پسامدرنیسم مانند اینترنت و شبکه های اجتماعی در رشد و گسترش داعش در

گروه اسلامی داعش؛  
بازیگری با مبانی فکری  
پیشامدرن و ابزارهای ...  
(۶۹ تا ۹۳)

فراسوی مرزهای ملی کشورها بهره گیری نماید. بر مبنای این تمهیدات نظری در ادامه نویسندگان این موضوع را مورد بررسی قرار خواهند داد که چگونه داعش به عنوان بازیگری پیشامدرن، از ابزارهای عملی عصر جهانی شدن و پسامدرن مانند اینترنت و شبکه های اجتماعی برای دستیابی به اهداف خود سود می جوید. اما قبل از ورود به چنین موضوعی لازم است تا به معرفی داعش به عنوان کنشگری پیشامدرن پرداخته شود و اهداف اصلی این گروه اسلامی در احیای خلافت اسلامی شرح و بسط داده شود.

### داعش کنشگری با اعتقادات پیشامدرن

برخی از کارشناسان و تحلیل گران معتقدند که تروریسم ظهور یافته در منطقه خاورمیانه در طی سالهای اخیر ثمره و نتیجه اشغال کشورها و حاصل توسعه طلبی اشغالگران است و روشن ترین شکل این پدیده را می توان در تروریسم القاعده پس از اشغال افغانستان دید که ابعاد جهانی پیدا کرده است. هم چنین اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی به سر برآوردن اشکال جدیدی از تروریسم منجر شد که سرانجام یک جریان آن در چهره ی مخوف «النصره» و سپس «داعش» خود را نشان داد. گروه تروریستی داعش که امروزه در سراسر منطقه خاورمیانه گسترش یافته و قسمت های عمده عراق و سوریه را در اختیار دارد، زمینه های تحولات جدید و نگرانی های زیادی در منطقه خاورمیانه را باعث شده است. به گونه ای که بی ثباتی در منطقه علاوه بر نا امنی در سطح انسانی باعث کاهش ظرفیت و اهمیت منطقه خاورمیانه در ابعاد گوناگون شده است. از این جهت هم کشورهای غربی و هم کشورهای خاورمیانه نگرانی زیادی از گسترش سطح دامنه این گروه تروریستی-داعش- در منطقه دارند. داعش یک گروه مسلح تروریستی است که اندیشه سلفی جهادی (تکفیری) را پیشه خود کرده است و هدف سازمان دهندگان داعش نیز بازگرداندن چیزی است که آنان آن را « خلافت اسلامی و اجرای شریعت » می نامند و عراق و سوریه نیز جولانگاه عملیات داعش است. داعش از زمانی که در سوریه ظاهر شده درباره خاستگاه، اقدامات، اهداف و ارتباطاتش جنجال های طولانی را به وجود آورده و باعث شده است به محوری از محورهای مطالب مطبوعات و رسانه ها و تحلیل ها و گزارشها تبدیل شود. گروهی معتقدند داعش یکی از شاخه های القاعده در سوریه است و گروه دیگری آن را یک



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵



سازمان مستقل می دانند که برای تشکیل دولت اسلامی در تلاش است (زارعی و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۱). از این جهت بررسی شکل گیری داعش در منطقه و ریشه ها و ساختار آن در تحولات منطقه حائز اهمیت بسزایی است. بر این مبنا مدعای نوشتار حاضر آن است که داعش به مثابه بازیگری پیشا مدرن محسوب می شود که به دنبال احیای گذشته اسلامی است.

داعش از لحاظ فکری در درون مبانی فکری جریان سلفی در دوران معاصر تعریف می شود. اصطلاح سلفی در دوران معاصر به معنای قرائتی خاص از اسلام است که ضمن نقد نحله های مختلف فلسفی، کلامی و فقهی اسلامی و تأکید بر وجود انحراف ها و بدعت ها در نگرش های سنتی به اسلام، خواستار بازگشت به سیره سلف به عنوان اسلام ناب بوده و خود را منادی بازگشت به شیوه سلف به عنوان اسلام ناب می داند. این جریان بر مبنای افکار افرادی همچون « ابن تیمیه » و « ابن قیم » و « محمدابن عبدالوهاب » شکل گرفت. منظور آنها از بازگشت به سلف به معنای بازگشت به قرائت خاص آنها از اندیشه های حنبلی و اهل حدیث است. به بیان دیگر، معیار سلفی بودن در دوران معاصر، قرائت ابن تیمیه (متوفای ۷۲۸ ه. ق) و محمد ابن عبدالوهاب از تاریخ صدر اسلام است و عموماً سلفی ها بر اساس مبانی فکری این دو به تفسیر دین می پردازند (سجادی و آشناور، ۱۳۸۹: ۱۵۵). به هر حال، گروه تروریستی داعش یکی از ثروتمندترین سازمان های پیکارجو در جهان است که کنترل سرزمین های عظیمی در سوریه و عراق را در دست دارد و صریحاً می گوید که هدفش تشکیل یک «دولت اسلامی» است. این گروه همواره در تلاش است نفوذ و دامنه تصرفات خود را حتی فراتر از مرزهای سوریه و عراق گسترش دهد. پیشروی های داعش را رهبر آن، «ابوبکر بغدادی» فرماندهی می کند، مردی پر رمز و راز که نام اصلی اش را ابو دعا ذکر می کنند. به هر صورت، دولت اسلامی عراق و شام یا داعش به عنوان گروهی منشعب از القاعده محسوب می شود که از منظر گرایش های عقیدتی و فکری و همچنین جنبه رفتاری رویکرد یکسانی با القاعده دارد. با این حال رفتارهای گروه داعش در سالهای اخیر نشانگر خشن تر و رادیکال تر بودن این گروه در مقایسه با القاعده دارد. داعش به عنوان مخوف ترین و قدرتمندترین گروه تروریستی در منطقه خاورمیانه و حتی جهان ظهور کرده است. هر چند داعش در شکل کنونی آن محصول بحران سوریه و گسترش اختلافات و منازعات منطقه ای در سالهای اخیر است، اما ریشه ها و

گروه اسلامی داعش؛  
بازیگری با مبانی فکری  
پیشامدرن و ابزارهای ...  
(۶۹ تا ۹۳)

روندهای قدرت‌گری آن به دوره پس از صدام در عراق از سال ۲۰۰۳ به بعد مربوط است. چرا که حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ فرصت و فضای مناسبی برای حضور و نقش‌آفرینی گروه‌های مسلح و تروریستی مختلف از جمله گروه‌های مرتبط با داعش در این کشور به وجود آورد (عباسی، ۱۳۹۳: ۹۹). با حمله نظامی آمریکا و اشغال عراق، دموکراسی در این کشور نه تنها نهادینه نشده، بلکه موجب شکل‌گیری دولتی غیر فراگیر گردید که سعی در تکرار تجربه قبل از اشغال را داشت، اما همانند دولت پیش از اشغال، از ابزارها و قدرت کافی برای اجرای نقش یک دولت مسلط برخوردار نبود. حضور نیروهای نظامی آمریکایی در عراق برای مدتی توانسته بود مانع از تشدید رقابت میان هویتی، میان قومی و میان مذهبی شود، اما خروج آنها از عراق در سال ۲۰۱۱ منجر به بروز و ظهور رقابت میان هویت‌های مختلف از جمله کردها، شیعیان، سنی‌ها و حتی ترکمان‌ها شد. به عبارت دیگر باید گفت خروج آمریکا میخ محکمی بر تابوت «دولت - ملت» و فراگیر عراقی کوید. پیامد اشغال عراق توسط آمریکا و متحدانش شکل‌گیری وضعیت «آناشیک» در داخل عراق بود. در شرایطی که یک دولت مسلط و فراگیر وجود ندارد و آناشسی در معنای دقیق کلمه شکل می‌گیرد، هویت‌های مختلف در عراق به سمت رقابت بیشتر روی می‌آورند. اهمیت این رقابت هویتی تا جایی است که افزایش قدرت دولت مرکزی از ناحیه دیگر هویت‌ها تهدید تلقی می‌شود. لذا در چنین شرایطی اگر دولت مرکزی مبادرت به بسط قدرت نظامی - بورکراتیک خود می‌کند، دیگر هویت‌ها آنرا افزایش امنیت یک هویت (شیعیان) و کاهش امنیت خود (اهل سنت و کردها) تلقی می‌کنند. چنین مسائلی منجر به شکل‌گیری معضل امنیت و بحران سیاسی در عراق و در نهایت ظهور گروه داعش گردیده است (رجوع شود به: احمدیان و نوری، ۱۳۹۳). به هر صورت، داعش پدیده‌ای فرامنطقه‌ای است و از آنجا که مروج فهمی از نگرش‌های مذهبی مشهور به سلفی رادیکال است، به میزانی که در عرصه جهانی شعارهای خود را بازتاب دهد موفق به جذب نیرو خواهد شد. داعشی‌ها به لحاظ فرهنگی برای هویت بخشیدن به خود تلاش می‌کنند عرصه‌ای از تاریخ را به خود متعلق بدانند یا در انحصار خود درآورند. این عرصه بطور عام معطوف ظهور دین اسلام و بطور خاص از «دولت بنی عباس» در منطقه است. زیرا نشانه‌های تاریخی خلافت از دولت بنی عباس قابل ظهور است. رنگ سیاه پرچم به مثابه پرچم بنی عباس، رنگ



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

افتخار و غرور و هویت بخش برای آنها خواهد بود. این رنگ و علامت یادآور غرور دولت پانصد ساله خلفای بنی عباس است. بنابراین همسان سازی با بنی عباس علاوه بر وجه قدرت آفرینی آنها، وجه تمایزشان از کردها و شیعیان عراق است (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۰۳-۱۰۵). باید گفت که داعش پدیده ای تاریخمند نیست، بلکه یکباره شکل گرفته است. اما خود را به گذشته منتسب می کند. به لحاظ جنبشی داعش در بستری تاریخی شکل نگرفته است، بلکه آنها می خواهند در سیری انقطاعی - تاریخی خود را به خلفای عباسی منتسب کنند و ادامه دهنده راه خلفای عباسی تا مامون باشند. از این رو داعش در حوزه پایتخت (بغداد) و پرچم قصد شبیه سازی به خلافت عباسی را دارد. همچنین مشابه عباسیان با اعمال خشونت کار خود را پیش می برد. بر این اساس برخی ویژگی های رفتاری داعش را می توان به شرح زیر بیان نمود: ظاهرگرایی رفتاری و قشری بودن؛ تکیه بر ارباب و وحشت؛ تکیه بر جهل و تعصب جاهلی؛ فرقه گرایی؛ الگوسازی بدلی برای تخریب عقده ها و احساس حقارت های تاریخی؛ تکیه بر احساسات به جای عقلانیت در بنیان های فکری؛ تمرکز بر فعال سازی و شکاف های مذهبی؛ عقب ماندگی سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی (فیروزآبادی و دیگران، ۱۳۹۳). همچنین ایدئولوژی سیاسی داعش سلفیسم است. داعش دارای نرم افزار اعتقادی است و با خلق «فقه التکفیر» توانست احساسات خشونت گرا را با باورهای مذهبی در هم آمیزد. داعش معتقد است چون اهل سنت پیرو مکاتب اربعه جهاد را تعطیل کردند، پس کافر شدند و انکار حکم الله، کفر محسوب می شود و تعطیلی عملی حکم خداوند به معنای انکار آنهاست. در واقع از نظر یک عضو داعش، کشتن یک کافر واجب است و بر اساس تفکرات تکفیری آنها، وقتی یک عضو داعش مسلمانی را بکشد، خود را به عنوان مجاهد فی سبیل الله می داند نه یک تروریست. او این اقدام را با خلوص نیت انجام می دهد (فیرحی، ۱۳۹۳). بطور کلی، مبانی فکری و کلامی سلفیان بطور عام و گروه داعش بطور خاص را می توان در چهار حوزه هستی شناسی، معرفت شناسی، معناشناسی، و روش شناسی دنبال کرد. از حیث هستی شناسی، سلفیان و داعش معتقد به مجردات نیستند و همه عالم اعم از خدا و غیر آن را محسوس می دانند و مجردات را نمی پذیرند. آنها قائل اند خداوند جسم نیست و محسوس است و می توان او را در قیامت با چشم دید. از حیث معرفت شناسی نیز سلفیان و از جمله داعش فقط راه نقلی را قبول دارند و

گروه اسلامی داعش؛  
بازیگری با مبانی فکری  
پیشامدرن و ابزارهای ...  
(۶۹ تا ۹۳)

به شدت با عقل سر ستیز دارند. آنها مدعی هستند که از عقل و شهود چیزی حاصل نمی شود و عقل در باب خداوند و امور اعتقادی دیگر، هیچ فهم صحیحی ندارد. به نظر آنان فقط باید به وحی و نقل اعم از کتاب و سنت و اجماع سلف مراجعه کرد و از عقل باوران در گریزند. در معناشناسی نیز، سلفیان رویکرد ظاهرگرایی را می پذیرند و به انکار تفسیر و تاویل می پردازند و معتقدند اگر راه تاویل باز شود، دین از در دیگر خارج می شود. آنها معتقدند که تمام آنچه خداوند در قرآن گفته باید به ظاهرش تمسک کرد و پذیرفت که آن حقیقتی در بالا دارد. از منظر روش شناسی نیز راه و روش سلفیان تاکید بر برتری فهم سلف است و معتقدند همه باید از فهم سلف تبعیت کنند، زیرا فقط فهم سلف از خلوص برخوردار است و فهم های دیگر مثل فهم فلاسفه و عرفا هیچ ارتباطی با اسلام ندارد. از نظرگاه دیگری می توان روش شناسی آنها را در دو محور ظاهر گرایی در قرآن و حدیث و گذشته گرایی (پیروی از سلف) مطرح کرد (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۰۸؛ حلبی، ۱۳۹۰: ۷۵). با شناخت از مبانی معرفتی داعش، در ادامه به صورت عینی تر به ساختار تشکیلاتی این گروه افراطی می پردازیم. گروه تروریستی داعش از ساختار تشکیلاتی هرم گونه برخوردار است، به گونه ای که سرکرده گروهک در راس هرم و تشکیلات قرار دارد و سایر فرماندهان در بخش های پایین دستی هرم حضور دارند. بطور کلی در تشکیلات داعش تمام پست ها و مناصب زیر نظر خلیفه تعیین می شود. تمام نقاط کلیدی و حساس داخلی سازمان داعش زیر نظر خلیفه تعیین می شود. به عبارت دیگر، همه امور زیر نظر ابوبکر بغدادی است و وی بر تعیین مدیران در سطوح بلند پایه گروه اعمال نظر می کند. داعش موسسه رسانه ای هم دارد که ریاست آن را «عمر العبسی» بر عهده دارد و اعضای آن وظیفه اطلاع رسانی اکترونیکی و اداره پایگاههای اینترنتی را به عهده دارند. داعش ساختاری سبک و چالاکتی دارد که به ماهیت داعش بر می گردد و اینکه همچنان خصوصیت غیر دولتی بودن خود را حفظ کرده است. داعش فاقد بوروکراسی است و تصمیمات به صورت چند مرحله ای گرفته نمی شود و کاملاً فردی عمل می کند. به هر شکل، گروه اسلامی موسوم به داعش را می توان بازیگری غیر دولتی دانست که در جستجوی رستگاری و رهایی بخشی و بازگشت به آرمانهای اولیه اسلامی است. گروه اسلامی داعش خود را پدیده ای هویتی می داند که وظیفه احیای خلافت و امارت اسلامی و بازسازی شوکت اهل سنت را دارد. می توان



**فصلنامه  
علمی  
تخصصی**

**سپهر سیاست**  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

مولفه های فرهنگی گروه داعش را در مواردی چون خلافت، شهادت و جهاد دسته بندی نمود، آنها احیای خلافت و لزوم اطاعت از خلیفه جائر را مجاز می دانند، در بحث جهاد آنها خود را برحق دانسته و افراد غیر مسلمان را تکفیر می کنند و در باب شهادت نیز با انجام عملیات انتحاری و تروریستی، به اعتقاد خود با انجام جهاد برای رسیدن به بهشت گام بر می دارند. می توان گفت که داعش در بحث شهادت از آموزه های مورد تاکید در اسلام به عنوان حربه ای در جهت جذب جوانان پرشور در نقاط مختلف جهان استفاده کرده است. به این ترتیب داعش به یکی از کانون های جنگ و عملیات انتحاری در جهان تبدیل شده است. هم چنین گروه داعش از ساختارهایی چون مساجد، محاسن و شعار «لا اله الا الله» و امثال آن بهره برداری مناسبی برای عضوگیری و شارژ روحی هواداران داشته است (رجوع شود به: غفاری و علیزاده، ۱۳۹۳). داعش بر اساس اسطوره بازگشت به خویشتن و جست وجوی هویت جدید بر پایه بازسازی هویت های کهن شکل گرفت. تحولات بروز یافته در چند سال اخیر و ظهور گروه های تروریستی در عراق و سوریه مسئله غامضی است که موجی از نگرانی ها و هراس در میان مردمان این دو کشور و منطقه خاورمیانه ایجاد کرده است. پیکارجویان سلفی دولت داعش که پس از ژوئن ۲۰۱۴ به خلافت اسلامی تغییر نام دادند، گروهی از تروریست ها بین المللی اند که با زمینه های متفاوت جغرافیایی از کشورهای مختلف عربی، آسیایی، اروپایی و آفریقایی گرد هم آمده اند. در واقع گستره جغرافیایی وسیعی از اردن و یمن گرفته تا تونس و لیبی و از بلژیک در اروپا تا اندونزی در شرق آسیا تحت تاثیر تبلیغ و نفوذ فکری آنها قرار گرفته است (نظری و السمیری، ۱۳۹۳: ۷۶-۷۷). با این توضیحات پیرامون مبانی فکری- عقیدتی داعش و اهداف این بازیگر غیر دولتی، در ادامه به دیگر موضوع محوری پژوهش یعنی رابطه میان فرایند جهانی شدن و گروه های غیر دولتی خشونت طلب همچون داعش می پردازیم، تا این موضوع در حد امکان روشن گردد که چگونه این بازیگر پیشامدرن، از ابزارهای عملی عصر جهانی شدن و پسامدرن برای دستیابی به اهداف خود سود می جوید.

### داعش؛ جهانی شدن و پسامدرنیسم

برخی از متفکران در چارچوب رویکرد جامعه شناختی به جهانی شدن مدعی هستند که جهانی شدن و ابزارهای آن با پسامدرنیسم در پیوند عمیق است. بطور

گروه اسلامی داعش؛  
بازیگری با مبانی فکری  
پیشامدرن و ابزارهای ...  
(۶۹ تا ۹۳)

نمونه می توان «دیوید هاروی» اشاره نمود که دارای چنین مدعای عمیقی است که جهانی شدن در پیوند با پسامدرنیسم است. محور بحث هاروی تشریح شرایط و ویژگی های پست مدرنیته است. کتاب «وضعیت پسا مدرنیته: تحقیق در خاستگاه های تحول فرهنگی» هاروی به بررسی نسبت و رابطه میان جهانی شدن و پسامدرنیسم اختصاص دارد. او جهانی شدن را فشردگی زمان و مکان تعریف می کند که در پیوند با فرهنگ عصر پست مدرن است. هاروی می کوشد تا پسامدرنیته را در حکم شرایطی تاریخی - جغرافیایی تبیین و تفسیر کند و راه را بر خوانش انتقادی آن بگشاید. هاروی وضع کنونی ما در جهان معاصر یعنی وضع پسامدرنیته را در حکم شرایطی تاریخی ارزیابی می کند که واکنش متفاوتی به فرآیند پایدار مدرنیزاسیون و بازتاب یا نشانه یی از تحول بنیادی در ماهیت مدرنیزاسیون به سوی نوعی جامعه «پسا صنعتی یا حتی پسا سرمایه داری» است که در پوند با مختصات عصر جهانی شدن است (هاروی، ۱۳۹۲). به هر حال، تکنولوژی های عصر جهانی شدن و فرایند رسانه ای شدن ناشی از آن در عصر پسامدرن، انسان زمانه ما را در آستانه ورود به عصر و جهانی از نوع دیگر قرار داده است (تاجیک، ۱۳۸۸: ۱۵۱). بنابراین شاید بتوان گفت که ما در عصر پست مدرن قرار داریم و جامعه جهانی در آستانه ورود به دورانی است که ایده مسلط آن ایده ارتباط و اتصال است؛ ویژگی بارز آن چند پارگی است؛ انگاره نهفته در بطن و متن آن، انگاره شبکه جهان گستر است (هاروی، ۱۸). به تعبیر «گیبینز و بو ریمر» جهان رسانه ای شده، نوعی چندپارگی و همگرایی، نوعی انسداد و گشایش، نوعی واقعیت و شبه واقعیت، نوعی «حاد واقعیت ۱» به تعبیر بودریار ایجاد کرده است که می توان گفت که جهان دیگر نه مسطح است و نه گرد، بلکه کاملاً شبکه ای است (گیبینز و بو ریمر، ۱۳۸۱: ۵۹-۶۳). در واقع از دهه ۱۹۹۰ به بعد استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی در کل دنیا گسترش یافته است و به دلیل تاثیر گسترده آن در زوایای گوناگون زندگی؛ اصطلاحاتی همچون «دهکده جهانی»، «عصر پسامدرن»، «آگاهی سیاره ای»، و «پایان جغرافیا» و... در محافل دانشگاهی و سیاسی رواج یافته است. از این رو از نیمه دهه ۱۹۹۰ به بعد جنبش های اجتماعی جدید، بازیگران



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

غیر دولتی و گروه‌های تروریستی با حضور در فضای مجازی و سایبری از طریق استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی، چالش هایی جدی برای دولت ها و حکومت های ملی و سازمان های بین المللی ایجاد کرده اند (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۵۲-۱۵۳). به هر حال بیشتر از این می توان در خصوص مطالب فوق و ارتباط جهانی شدن و پسامدرنیسم و ظهور عصر جدید برای بشر صحبت نمود، اما نوشتار حاضر در تلاش است تا این مباحث انتزاعی را در پیوند با گروه اسلامی داعش انضمامی و عینی تر سازد. به عبارتی نویسندگان در تلاش اند تا نشان دهند که چگونه در طی سالهای اخیر گروه های تروریستی مانند داعش توانسته اند به عنوان کنشگرانی با مبانی فکری سنتی و پیشامدرن از ابزارها و تکنولوژی های عصر جهانی شدن و فرامدرن برای دستیابی به مقاصد خود بهره گیری نمایند.

«اسلاوی ژیتک» نظریه پرداز رادیکال معاصر در گفتگویی در مورد بنیادگرایی اسلامی گروه داعش می گوید: « ظهور داعش را می توان همزمان فصل آخر داستان بیداری ضد استعماری و همچنین فصلی از داستان سئزه علیه مسیری دانست که در آن قدرت ملی توسط سرمایه جهانی تضعیف و تهدید می شود. اما آنچه ترس و واهمه را موجب می شود خصیصه دیگر رژیم داعش است، اظهارات عمومی رهبران داعش این نکته را مسجل می سازد که وظیفه اصلی حکومت تنظیم رفاه شهروندان نیست، بلکه آن چه مهم است زندگی دینی است، آن چه مهم است این است که قوانین دینی پیاده شوند. و این دلیل بی تفاوتی داعش نسبت به فجایع انسانی است. آرمان آنها این است؛ دین را مراقبت کن، رفاه از خودش مراقبت می کند. این همان شکافی است که تصور قدرت نزد داعش را از تصور غربی از قدرت که اصطلاحاً «زیست قدرت»<sup>۱</sup> نامیده می شود جدا می کند، قدرتی که به زندگی سامان می بخشد (تاجیک، ۱۳۹۴: ۱۰۴). رشد گروه تروریستی داعش در سال های گذشته در منطقه خاورمیانه نشان دهنده فصل جدیدی از مسائل امنیتی در منطقه است. گسترش سریع گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه بیانگر این نکته است که حرکت تروریستی دیگر در قالب سنتی و درون کشوری صورت نمی پذیرد؛ بلکه فرآیند جهانی شدن و سیستم های ارتباطی جدید که از مختصات عصر

گروه اسلامی داعش؛  
بازیگری با مبانی فکری  
پیشامدرن و ابزارهای ...  
(۶۹ تا ۹۳)

---

1. bio power

پسامدرن اند ابزارهای نوینی هستند که امکان سازماندهی و اقدام فرامرزی را برای گروه داعش فراهم آورده اند. در واقع مسئله قابل تامل این است که چگونه جهانی شدن و ابزارهای تکنیکی عصر فرامدرن زمینه های رشد داعش در کل دنیا را بوجود آورده است. در مطالعه ای که «آلو اینان» انجام داده است عنوانی به نام «اسلام به اینترنت آمده» مشاهده می شود که چگونه اسلام سایبر و فتوهای آنلاین بخشی از گفتمان اسلام سیاسی رادیکال را تشکیل می دهد. در خاورمیانه و دیگر نقاط جهان، اینترنت محل کارزار و دیالوگ و گفتگوی درون دینی مسلمانان است. این پیوند میان زبان، اینترنت، و افکار مسلمانان نوعی خلق و بازنمایی گفتمان اسلام سیاسی به شمار می آید (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۲۶۳). در همین پیوند، یعنی ورود اسلام سیاسی رادیکال به دنیای مجازی «گری بانث» در کتابی با نام «اسلام در عصر دیجیتال، جهاد، فتوهای آنلاین و محیط اسلامی سایبر» معتقد است که به دلیل محدودیت های دولت های سکولار در خاورمیانه و غیریت سازی اروپایی و آمریکایی از مسلمانان در جوامع خود، دنیای مجازی به شکل محل و بزنگاه تولید و بازتولید گفتمان اسلام سیاسی رادیکال شده است. از دیدگاه او، جهاد و فتوهای آنلاین به سرعت و بدون نظارت دستگاههای رسمی در خاورمیانه و در محیط سایبری اسلام مورد علاقه جوانان مسلمانی شده است که اسلام را از طریق این محیط به دنیای واقعی تسری و تعریف می کنند (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۲۶۴). هم چنین «اولیویه روآ» اسلام شناس معاصر فرانسوی در اثر برجسته خود «اسلام جهانی شده» مباحث و مفاهیم مهمی را در این خصوص بیان می کند و در ذیل مفهوم «امت مجازی اینترنت» معتقد است که غیر سرزمینی شدن اسلام سبب ایجاد یک جامعه مجازی اینترنتی شده است. از نظر وی غیر سرزمینی شدن، لنگرگاه جامعه شناسی مدرن یعنی «دولت ملی» را از بین می برد. امت دیگر در یک سرزمین ویژه ای محدود و تعریف نمی شود. امت تصویری و خیالی بر محور مجازی تشکیل شده و همه کسانی را که از محیط های اصلی خویش فاصله گرفته اند به دور خویش جمع می کند تا خود را بر مبنای ملاک و معیارهای خالص اسلامی هویت یابی کنند. از نظر روآ، بر روی شبکه اینترنت، اسلام دایما بر مبنای آمد و شد میان فرد خاص و ایزوله (در جامعه ای که مسلمان نیست) و یک جامعه مجازی، ایفای نقش می کند. امت مجازی تلاش می کند «خدمات» ارائه کند و یک خط ارتباطی میان دین داران ایزوله در محیط غیر اسلامی ایجاد کند (روآ، ۱۳۹۳: ۱۸۵-۱۸۸). به



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵



هر حال مسئله قابل تأمل برای ما این است که چگونه داعش به عنوان گروهی تروریستی و بازیگری غیر دولتی در عصر پساوستفالیایی توانسته است از ابزارهای نوین رسانه ای برای گسترش و عضوگیری بهره گیری نماید. مجله اکونومیست در شماره نوامبر ۲۰۱۵ خود اعلام کرد که از مجموع ۱۳۰۰۰ هزار عضو خارجی داعش، تونسی ها با ۳۵۰۰ عضو در صدر قرار دارند؛ بعد از تونس کشورهای عربستان با ۲۵۰۰ داعشی، اردن با ۲۰۸۹ داعشی، مراکش با ۱۵۰۰ داعشی، لبنان با ۸۹۰ داعشی، و فرانسه با ۷۰۰ داعشی قرار دارند!؟. در باب ریشه های و شیوه های این قبیل عضوگیری و سازماندهی بحث های زیادی شده است. انگیزه های اعضای داعش در عضوگیری را می توان از انتقام گیری کین توزانه تا جهل مقدس و ماجراجویی و ستیز علیه ارزش های خرافی، خداستیز و مدرن دسته بندی نمود. اما در میان این همه تحلیل، یک وجه داعشیان کمتر خواننده شد و در خلال انبوه اطلاعاتی که زندگی همه ما را در بر گرفته، برجسته نشد. این رویه را «یعاکوو لاپین» در کتاب «خلافت مجازی: پیاده سازی دولت اسلامی روی اینترنت» تشریح کرده است. وی می گوید «امروز اعضای جامعه جهانی اسلام از طریق اینترنت به هم متصل شده اند، دنیا مانند یک دهکده کوچک شده و مسلمانان در هر کجا باشند می توانند با هم کار کنند» (نصری، ۱۳۹۴: ۹۸). به هر صورت، روایت داعشی از حکمرانی مجازی، واپسین و تازه ترین در نوع خود است که با الهام گیری از تجربه های دیگران رویه های کم نظیری را به نمایش گذاشته است که در قالب «داعش مجازی» بسیار قابل توجه است. در ادامه بطور مصداقی تر بحث و مدعای این نوشتار را پی خواهیم گرفت.

گروه اسلامی داعش؛  
بازیگری با مبانی فکری  
پیشامدرن و ابزارهای ...  
(۹۳ تا ۶۹)

### ابزارهای تکنولوژیک و شگرد های رسانه ای داعش

امروزه با گسترش جهانی شدن و توسعه بیش از پیش رسانه ها و اطلاعات و ارتباطات مواجه ایم. امکانات رسانه ای جدید و فضای مجازی، تاثیر گذاری بر افکار عمومی را که تا کنون فقط در انحصار دولتها بوده است، برای افراد و گروههای دیگر و از جمله بازیگران غیر دولتی خشن نیز ممکن کرده است. تکنولوژی ارتباطی نه تنها از لحاظ اقتصادی و سیاسی به تزلزل حاکمیت و مرزهای ملی کمک می کند، بلکه تسهیلات و تجهیزات قابل توجهی در اختیار گروههای تروریستی می گذارد تا با بهره گیری از آنها مرزهای حاکمیتی دولت را پشت سر

بگذارند. گروه‌های تروریستی از جمله داعش در پرتو این قابلیت را پیدا کرده‌اند تا از تکنولوژی‌های جدید بهره‌گیرند، نیروهای خود را راحت‌تر از مرزهای ملی عبور دهند و از منابع حمایتی گسترده اعم از مالی و جلب وفاداری بهره‌مند شوند. همچنین تکنولوژی‌های اطلاعاتی همانند اینترنت، تلفن، موبایل و قابلیت‌های ارسال پیام و دستیابی جهانی گروه‌های تروریستی به یکدیگر را روان‌تر کرده است. این در حالی است که ما همواره شاهد حملات تروریستی سایبری از جمله حمله به سایت‌های اینترنتی، حک کردن وب سایت‌ها و... هم هستیم. تکنولوژی‌های جدید، قابلیت گروه‌های تروریستی را در انجام وظایف اداری، هماهنگ‌سازی عملیات‌ها، استخدام نیرو، برقراری ارتباطات میان هسته‌های تروریستی و جذب نیروهای وفادار، بالا برده است. «مجد عطا» فرمانده عملیات ۱۱ سپتامبر و «رمزی یوسف» مغز متفکر حمله به مرکز تجارت جهانی نیویورک، در سطح وسیعی از تکنولوژی‌های جدید برای پیشبرد برنامه‌های خود استفاده کرده‌اند (Cronin, 2008: 145). بازیگران غیردولتی مانند داعش نیز از همان آغاز فعالیت‌های خود، از ظرفیت‌های جهانی شدن اطلاعات به منظور تاثیرگذاری بر افکار عمومی و جذب نیرو بهره‌گرفته‌اند. بر خلاف گروه‌های سلفی سنتی که در کشورهای عربی، شبه‌قاره هند و جنوب آسیا فعال بود، سلفی‌گری جدید در عرصه جهانی فعال شده است. گسترش انقلاب ارتباطات، پیدایش شبکه‌های اجتماعی موجب شده است نوسلفی‌گری و بازیگران غیردولتی خشن در جهان گسترش بی‌سابقه‌ای یابد. به سخن دیگر، نوسلفیسم مجازی بی‌نیاز به یک مرکز ساماندهی، به صورت شبکه‌ای از «امارت‌های اسلامی مجازی» فعال شده است. جریان داعش به صورت گسترده‌ای از عصر دیجیتال بهره‌می‌برد. این گروه خشن، کارشناس‌های بسیاری دارد که در زمینه هک کردن تارنماها فعال هستند. این کارشناسان می‌توانند به شبکه‌های امنیتی و اطلاعاتی کشورها رخنه کنند (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۲۷۰). آمارها حاکی از آن است که بر خلاف دیگر بازیگران خشن، داعش به خوبی توانسته است از امکانات رسانه‌ای موجود برای پیشبرد اهداف خویش بهره‌گیرد. استفاده گروه داعش از رسانه‌های مجازی و اینترنت سبب شده است برخی تحلیل‌گران اینترنت را زمین اصلی بازی داعش بنامند. برنامه‌ریزان مستقر در اتاق فکر داعش، الله را پشتیبان آسمانی و اینترنت را اصلی‌ترین حامی زمینی خود قلداد می‌کنند. در این راستا دیدگاه یک نویسنده روزنامه «ها آرتص» و مفسر در نشریه اسرائیلی دیلی به نام



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

«یوسی میلمن» هم شگفت آور است. او می گوید جهادیون در شبکه اینترنت و با ربایش تفکر و علایق جوانان، به صورت سهل و ساده ای دولت را بی معنی کرده اند و با جذب نیرو از اقصی نقاط عالم، جهانیان را مضطرب ساخته اند (نصری، ۹۸:۱۳۹۴). بنابراین مشاهده می شود که چگونه فرایند جهانی شدن اطلاعات توانسته است منجر به رشد و گسترش شگردهای رسانه ای داعش شود. در این بستر رشد نیروهای بنیادگرا و توانایی سازماندهی آنان بواسطه شبکه عظیم جهانی، زمینه های را برای اتحاد و بهم پیوستن گروه ها و افراد سرخورده ناشی از «فردگرایی مدرنیته» افزایش یافته است. بنابراین گروه های بنیادگرا بخصوص بنیادگرایی دینی با بهره گیری از این ظرفیت به دنبال سازماندهی و تقویت موقعیت خود در برابر دولت ها بر آمده و اقدام به جذب افراد و گسترش دامنه خود می کنند. یکی از این گروه های بنیادگرای سلفی که در منطقه خاورمیانه رشد کرده است دولت اسلامی عراق و شام موسوم به «داعش» است که با بهره گیری از این سیستم ارتباطی توانسته است افراد و گروه های خاص را از اقصی نقاط جهان جذب بکند. داعش پس از بروز بحران های اجتماعی و امنیتی در سوریه و عراق توانست جایگاهی در منطقه به خود اختصاص بدهد و با استفاده از ظرفیت ارتباطی ایجاد شده در منطقه و نارضایتی های اجتماعی دست به گسترش زده است که البته تضعیف دولت های منطقه و تقویت قدرت های بزرگ که به دنبال ایجاد بحران در خاورمیانه نیز بوده اند از جمله عوامل دیگر تاثیر گذار بر شکل گیری این گروه در خاورمیانه بوده است (Katagiri, 2015). در واقع جهانی شدن سازمان های تروریستی را قادر ساخته تا همانند شرکت ها و موسسات تجاری و اقتصادی، به راحتی و با محدودیت های کمتری از مرزها ملی عبور کنند. واضح است که این عبور راحت از مرزهای ملی (که از نتایج جهانی شدن است)، زمینه مساعدتری برای انجام عملیات تروریستی فراهم ساخته است و این گروه ها را قادر می سازد تا به سادگی از صحنه بگریزند و از تحت تعقیب قرار گرفتن در امان بمانند. به هر حال، یکی از زمینه هایی که در فرایند جهانی شدن حائز اهمیت است و مورد بهره برداری داعش نیز قرار گرفته است سیستم ارتباطی جدید و کنش های ارتباطی نوین است. گسترش شبکه های اجتماعی با کنترل بسیار پایین بر اطلاعات باعث گردیده است تا اطلاعات به راحتی به گردش در آمده و در اختیار همه قرار بگیرد. شبکه های اجتماعی در فضای مجازی و شبکه های تولید خبر در کنار سایت ها، ماهواره

گروه اسلامی داعش؛  
بازیگری با مبانی فکری  
پیشامدرن و ابزارهای ...  
(۶۹ تا ۹۳)

ها و تلفن های هوشمند هر گونه اطلاعات - از قبیل تصویر، صدا و نوشتار- را به راحتی انتقال می دهد. روشن است که در این بستر برخورد و آگاهی از دیدگاه ها و فرهنگ های گوناگون به سرعت رشد کرده و نوعی خود آگاهی به همراه خواهد آورد. از این جهت بهره گیری از سیستم ارتباطی در چند جهت بر رشد گروه های بنیادگرا تاثیر می گذارد که اولین گام آن مربوط به اطلاع رسانی و عضو گیری از طریق این سیستم ها می باشد. با تشریح موارد و مباحث فوق روش می شود که می توان میان فرایند جهانی شدن و گروههای غیر دولتی خشن مانند داعش ارتباط مثبتی برقرار نمود. می توان بیان کرد که جهانی شدن به عنوان یک فرایند، بستری است که تحولات تروریسم نوین را تسهیل نموده است و متقابلا نیز گروههای غیر دولتی و تروریستی نیز با چالش سازی علیه رویه های دولت محور، به گسترش فرایند جهانی شدن کمک نموده اند. تروریسم نوین در شرایط کنونی متأثر از رشد سریع بازیگران غیر دولتی در اثر شرایطی است که جهانی شدن آن را تسهیل نموده است. در واقع این دو یعنی جهانی شدن و بازیگران غیر دولتی خشن در هم پیوندی با هم توانسته اند ساختار «دولت مدرن» به عنوان کانون بحث در علم سیاست و روابط بین الملل مدرن را دچار چالش های جدی و اساسی نمایند. بطور کلی می توان گفت که جهانی شدن و تروریسم بین المللی، اصول حقوقی ناظر بر روابط دولت های مدرن از جمله اصل حاکمیت، اصل عدم مداخله، اصل انحصار خشونت در دولت ها و اصل عدم استفاده از زور و امنیت ملی را تا حدود زیادی متزلزل نموده اند. به هر حال، گروههای جهادی همچون داعش، روش سخنشان با ذهن و قلب دهها میلیون مسلمانی است که دیگر دولتها و مرز و زبان نمی توانند مانع پیوندهای آنان شود. اتصال بین اعضای جامعه با جهان بینی های خطرناکی که خشم و جهل و کشتار را مقدس می نامد و تحت نام شرع به اسلام هراسی و خشونت پروری کمک می کند، پدیده جدیدی است. خلافت مجازی موضوعی خطرناک است و می تواند به عرصه های دیگری نظیر حفاظت مجازی، سکس مجازی، و ولایت مجازی نیز کشانده شود.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

## نتیجه

سید حسین نصر متفکر سنت گرای ایرانی مقیم ایالات متحده بلافاصله بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در مصاحبه ای اعلام کرد «ما سنت گرایان کاملاً متفاوت از بنیادگرایان هستیم. بنیادگرایان به صورت نامحدودی تکنولوژی غرب را در خدمت ایدئولوژی خود در می آورند؛ در حالی که در رویکرد سنتی تکنولوژی با ایدئولوژی عجین شده است و یکی بدون دیگری امکانپذیر نیست. به نظر می رسد این مصاحبه سید حسین نصر حاوی نکته مهمی است که در اندیشه شناسی و رفتارشناسی بنیادگرایان اهمیت اساسی دارد. چرا که بنیادگرایان با استفاده از ابزارهای امروز در صدد احیای میراث دیروز هستند. بر مبنای چنین موضوعاتی است که نوشتار حاضر نیز دولت اسلامی داعش را بازیگری با اعتقادات پیشامدرن و ابزارهای عملی فرامدرن نامیده است. گروه اسلامی داعش از متاخرترین گروههای تروریستی در دنیای سیاست و نظام بین الملل محسوب می شود که در عرض مدت کوتاهی توانسته است چالش های جدی را برای صلح و امنیت جهانی پدید آورد. داعش از جمله گروه های تروریستی است که با بهره گیری از فرایند و ابزارهای تکنولوژیک عصر جهانی شدن و پسامدرنیسم توانسته است در منطقه خاورمیانه گسترش پیدا کند. از این منظر مسئله اصلی مقاله حاضر در این پرسش تجلی یافته است که «گروه تروریستی داعش از حیث فکری چگونه بازیگری است و چگونه به بهره برداری از فضای سایبری در راستای پیشبرد اهداف خود مبادرت کرده است؟». در پاسخ به پرسش طرح شده این فرضیه مورد بحث واقع شده است که «داعش در حالی که از حیث فکری و در اعتقادات پیشامدرن است، نمونه بارز تروریسم پسامدرن در فضای مجازی محسوب می شود که از امکانات فضای جهانی شدن در راستای معرفی نمودن خود و ایجاد شبکه ای تروریستی در جهت تشکیل آنچه که «خلافت اسلامی» می نامند، استفاده می کند». برای بررسی چنین مدعایی نویسندگان در طی سه بخش مطالب خود را به نگارش درآورده اند و یافته های این جستار کوتاه نشانگر تایید و اثبات فرضیه اصلی مطرح شده است. بدین صورت که داعش به مثابه بازیگری دارای اعتقادات پیشامدرن جلوه گر شده است که ضمن نقد دنیای مدرن و ارزش های لیبرالی، فردگرایانه و سرمایه محورانه آن، بدنبال بازگشت به سلف صالح است و هویت خود را در این همانی با عصر کهن اسلامی جستجو می کند. اما نکته جالب توجه مطرح شده در این نوشتار آن است

گروه اسلامی داعش؛  
بازیگری با مبانی فکری  
پیشامدرن و ابزارهای ...  
(۶۹ تا ۹۳)

که اگر چه داعش به مثابه گروهی تروریستی در اعتقادات پیشامدرن و گذشته گراست، اما در عرصه عمل این بازیگر بدنبال بهره گیری از ابزارهای عملی و تکنولوژیک عصر جهانی شدن و پسامدرنیسم است. به گونه ای که این گروه و اعضای اصلی آن برای دستیابی به آنچه آنها « خلافت اسلامی » می خوانند از اینترنت بهره می گیرند و با استفاده از شبکه های اجتماعی، مجازی و امکانات فضای سایبر به عضوگیری و شارژ روحی هواداران خویش در سراسر دنیا می پردازند. در واقع می توان مدعی شد که داعش در بستر اینترنت و دیگر ابزارهای عصر پسامدرن و جهانی شدن، حکمرانی جهانی اعمال می کند. می توان گفت که داعش به عنوان بازیگری غیر دولتی داعیه دار و پرچم دار آن است که نوستالژی خلافت در عصر کلاسیک اسلامی را در دوره معاصر احیا نماید و از این حیث این بازیگر را می توان کنشگری گذشته نگر تلقی نمود. اما این بازیگر پیشامدرن، نشان داده است که به خوبی از امکانات و ابزارهای عصر حاضر شناخت دارد و اینترنت و شبکه های مجازی را ه مثابه حامیان زمینی خود برگزیده است و با استفاده از پتانسیل های غیرقابل کنترل آنها کوشیده است تا هر چه بیشتر بر گستره هواداران خود بیفزاید و تلاش نماید خلافت اسلامی را در جهان اسلام بر پا نماید. در مجموع می توان تروریسم ناشی از گروه داعش را در زمره تروریسم پست مدرن ارزیابی نمود که در چارچوب اهداف و قالب های مدرن همچون منفعت جویی و ملی گرایی نمی گنجد و ارزش های پست مدرن همچون تفاوت، مذهب، سنت، هویت و جهانی شدن برای توضیح آن لازم است.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

## منابع

- ابراهیمی، نبی الله (۱۳۹۲)، *نوسلفی گری و جهانی شدن امنیت در خاورمیانه*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- احمدیان، قدرت و نوری، مختار (۱۳۹۳)، «بحران تازه در عراق: از رقابت هویتی تا معضل امنیتی»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۲۹۷.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۸)، *ایران در چشم انداز ۱۴۰۰*، تهران: موسسه تحقیقات علوم انسانی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۹۴)، «دموکراسی علیه دموکراسی»، *نشریه مهرنامه*، سال ششم، شماره ۴۵.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۹۰)، *تاریخ نهضت های دینی - سیاسی معاصر*، تهران: نشر زوار.
- روآ، اولیویه (۱۳۹۳)، *اسلام جهانی شده*، ترجمه حسن فرشتیان، قم: بوستان کتاب.
- روشن چشم، حامد (۱۳۹۳) «تحلیل جامعه شناختی داعش»، *روزنامه رسالت*.
- زارعی، سعدالله و دیگران (۱۳۹۴)، «اندیشه در تحلیل: بررسی جغرافیای فکری داعش؛ از صلاح الدین عراق تا حلب سوریه»، *فصلنامه رشد آموزش قرآن*، ش ۴.
- سجادی، سیدابوالفضل و آشناور، مهدی (۱۳۸۹)، «بررسی و نقد آراء وهابیت در انتساب عنوان شرک به شیعه از منظر قرآن کریم»، *فصلنامه پژوهشی علوم و معارف قرآن کریم*، ش ۷.
- سردارنیا، خلیل الله (۱۳۸۸)، «ایتترنت، جنبش های اجتماعی جدید و بسیج اعتراض ها (بررسی نظری و مصداقی چند جنبش اجتماعی)»، *پژوهش های ارتباطی*، سال شانزدهم، شماره ۶۰.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۴)، *نظریه های گوناگون درباره جهانی شدن*، تهران: سمت.
- عباسی، محمود (۱۳۹۳)، «سنخ شناسی داعش»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، سال پانزدهم، شماره دوم.

- غفاری، زاهد و علیزاده، قدسی (۱۳۹۳)، «مولفه های فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال سوم، شماره یازدهم.
- فیرحی، داود (۱۳۹۳)، «گزارش نشست اعتدال و افراط»، تهران: مرکز مطالعات خاورمیانه، قابل دسترس در سایت پژوهشکده.
- فیرحی، داود، ظهیری، صمد (۱۳۸۷) تروریسم تعریف و تاریخچه؛ رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۳.
- فیروزآبادی و دیگران، سیدحسن (۱۳۹۳)، تکفیری های داعش را بشناسیم، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- گیبینز، جان آر؛ ریمر، بو (۱۳۸۱)، سیاست پست مدرنیته، ترجمه منصور انصاری، تهران: گام نو.
- مهدی عباس زاده فتح آبادی (۱۳۸۸)، «بنیادگرایی اسلامی و خشونت: با نگاهی بر القاعده»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۴.
- نصری، قدیر (۱۳۹۳)، «خشم به فرمان خرد، شرع و غریزه: تأملی در خشونت داعش از زاویه‌ای دیگر»، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، شانزدهم مهر ۹۳/۷/۱۶.
- نصری، قدیر (۱۳۹۴)، «چگونه داعش در اینترنت تمرین حکمرانی می کند؟»، نشریه مهرنامه، سال ششم، شماره ۴۵.
- نظری، علی اشرف و السمیری، عبدالعظیم (۱۳۹۳)، «بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام: فهم زمینه های فکری و سیاسی-اجتماعی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره ۶۸.
- هاروی، دیوید (۱۳۹۲)، وضعیت پسامدرنیته: تحقیق در خاستگاه های تحول فرهنگی، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران: نشر پژوهش.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۸)، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمد علی حمید رفیعی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- Albrow, Martin, (1997) *The Global Age: State and Society Beyond Modernity*, Stanford University Press.
- Cronin. k. Audrey (2008) *Behind The Curve: Globalization and*



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵



International Terrorism, in/ Jon. C. Pevehouse and Joshua Goldestin, Readings in international Relation, NewYork :Longman.

- Duyvesteyn, isabelle (2007), How new is the new Terrorism? ,studies in conflict and terrorism ,vol 27.
- Friedman , Thomas L. (1999) The Lexus and the Olive Tree. Farrar, Straus and Giroux, New York.
- Laqueur, walter (1996), postmodern terrorism, foreign affairs, vol 75.

گروه اسلامی داعش؛  
بازیگری با مبانی فکری  
پیشامدرن و ابزارهای ...  
(۶۹ تا ۹۳)